

حضرت عبدالعظیم از نگاه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

ابوالفضل حافظیان بابلی

قلبی مبتلا شده، عازم بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری بود، با اینکه مردم تا کهریزک به استقبال ایشان آمده بودند، ابتدا به زیارت حرم مطهر حضرت عبدالعظیم مشرف شد و سپس برای بستری شدن، راهی بیمارستان شد.^۱

در یکی از سفرهای زیارتی ایشان به ری، کرامتی رخ داد و از جانب حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام) عنایتی به آیت‌الله مرعشی (علیه‌السلام) شد. شرح این ماجرا در کتاب سرزمین کرامت، بدین‌گونه آمده است:^۲

یکی از علمای بزرگ^۳، پس از آنکه مقطعی از درسش را در نجف به پایان می‌برد، به تهران می‌آید و مقدمات ازدواج

۱. زائر حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام)

آستان مقدس سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام)، بارگاه رفیعی است که همواره زیارتگاه اهل دل و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت بوده و امید به نیل ثواب زیارت سیدالشهداء (علیه‌السلام)، خیل مشتاقان را به دیار ری می‌کشانده است.

یکی از زائران دلسوخته این حرم روحانی، عالم جلیل‌القدر، فقیه، نسب‌شناس، مورخ و فرهنگبان بزرگ جهان اسلام، مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (علیه‌السلام) بوده که بارها از فیض زیارت حرم حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام) بهره‌مند شده است، که از جمله در سال ۱۳۴۱ ق، آن‌گاه که به بیماری

۱. گنجینه شهاب، زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، دفتر دوم، ص ۴۶۵.

۲. سرزمین کرامت (بیت سرگذشت از کرامات سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام))، تهیه و تنظیم معاونت فرهنگی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام)، دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۳-۴۴.

۳. این عالم جلیل‌القدر، مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی بود و این ماجرا به دوران طلبگی ایشان مربوط است.

نکرده کسی آن را نبرد! و ایشان، ناراحت از اینکه او را از چنین حالی بیرون آورده‌اند، مکثی می‌کند و بعد چشم می‌اندازد [و می‌بیند که] بسته‌ای جلوی پایش افتاده است. ابتدا اعتنا نمی‌کند؛ اما بلافاصله طنین صدایی که لحظاتی قبل او را متوجه این بسته کرده بود، در ذهنش می‌نشیند. نگاه جست‌وجوگرش کسی را نمی‌یابد. بسته را می‌گشاید. درون بسته، این اشیا به‌طور مرتب چیده شده بود: دو جفت کفش زنانه، دو قواره چادری، دو عدد پیراهن، چهار عدد انگوی طلا و یک جفت گوشواره.

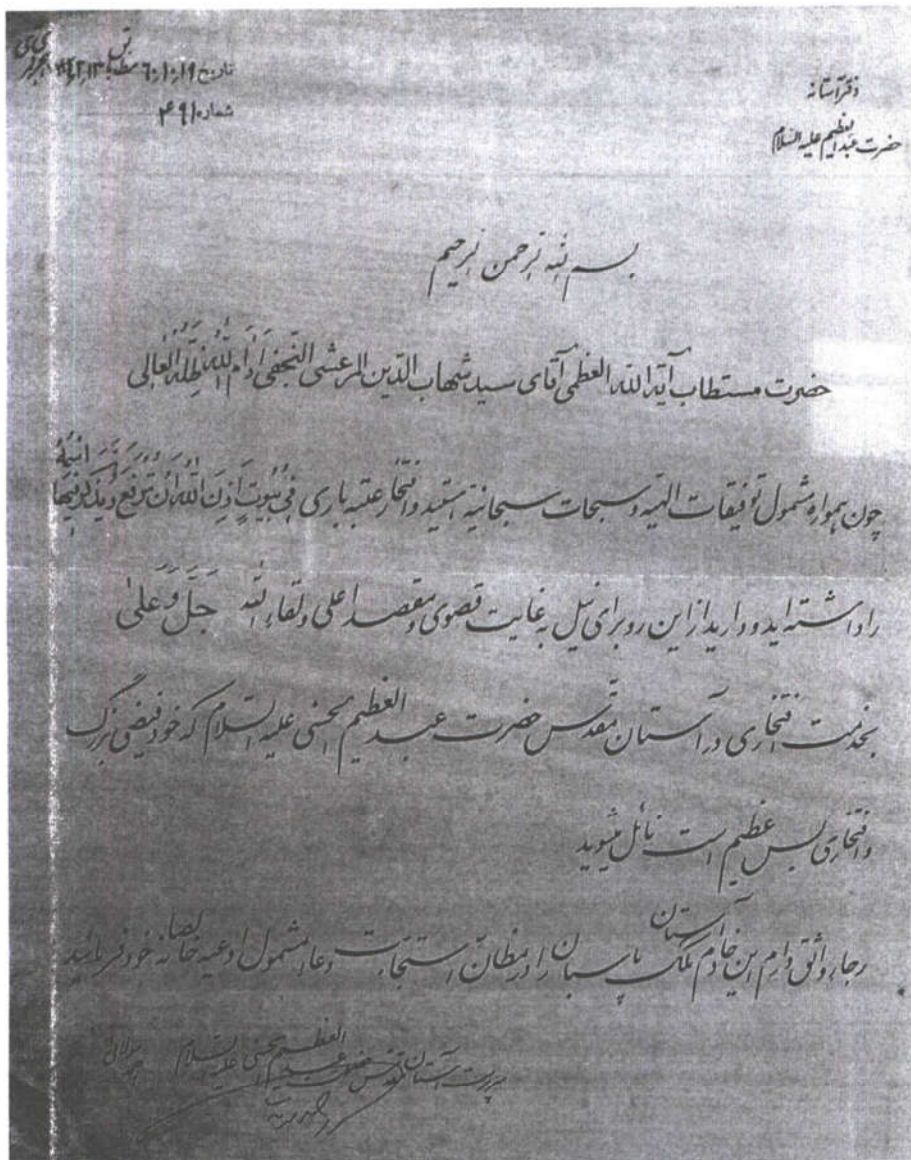
ایشان فراهم می‌گردد. دختری معرفی می‌شود و به خواستگاری می‌روند. مسائل، مطابق سلیقه طرفین طی می‌شود، جز اینکه پدر دختر، شرطی را برای داماد مطرح می‌کند تا پس از تحقق آن، دختر به خانه بخت برود. شرط پدر دختر، تهیه این اقلام بود: یک جفت گوشواره، چهار عدد انگو، دو عدد پیراهن، دو قواره چادری و دو جفت کفش.

... درخواست خانواده عروس، چندان سخت و چشمگیر نبود، لیکن برای آن عالم بزرگوار، تهیه همین قدر هم مقدور نبود.

ایشان ناامید از انجام [دادن] شرط، عازم قم می‌شود؛ اما قبل از حرکت به سمت قم به قصد زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری توقف می‌کند.

آن عالم بزرگوار، قبل از آنکه به حرم مشرف شود، دقایقی را در... صحن و مقابل ایوان می‌ایستد. تمام حواسش به شرطی است که از عهده انجام [دادن] آن برنیامده است. در این لحظه، کاملاً متوجه آن حضرت می‌شود و مشکل را با آن وجود مقدس در میان می‌گذارد. در حالتی دلشکسته، زارزار می‌گردد و برای آنکه کسی متوجه نشود، عبایش را روی صورتش می‌گیرد.

چند لحظه بعد، کسی دست روی شانه‌اش می‌گذارد و آرام به گوشش می‌خواند که: «آقا! بسته‌تان را بردارید تا خدای



منصب خادم افتخاری آیت الله مرعشی در آستان حضرت عبدالعظیم

۲. خادم آستان حضرت عبدالعظیم

عشق و محبت آیت‌الله مرعشی به خاندان رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت از لابه‌لای گفته‌ها، نوشته و رفتارشان به خوبی نمایان بود؛ به طوری که با دارا بودن مقام مرجعیت، همیشه خود را کوچک‌ترین خادم خاندان پیامبر معرف می‌کرد و در نوشته‌هایش همواره تعبیر زیبای «خادم علوم اهل‌ال بیت» به چشم می‌خورد.

علاقه شدید ایشان به ساحت مقدس ائمه اطهار و اولاد گرامی‌شان باعث شد تا در بسیاری زیارتگاهها ستم افتخاری «خادم» آن آستانها را به خود اختصاص دهد و بدان مباحثات نماید.

برخی مناصب افتخاری خدمتگزاری ایشان در تعدادی از بقاع متبرک و در آستانهای بعضی امام‌زادگان و مشاهد مشرف، در ذیل آورده می‌شود:

مناصب افتخاری

یک. منصب افتخاری خدمتگزاری و خادمی روضه منور و حرم سیدالشهداء اباعبدالله حسین بن علی در کربلای معلی، که به وسیله تولیت حرمین شریفین امام حسین و ابوالفضل العباس و سرکشیک و چند تن از خدام، مهر و امضا شده است.

دو. مناصب پُرافتخار نقیب‌الساداتی و تدریس در حرم امام حسین و حضرت ابوالفضل العباس.

سه. منصب افتخاری خدمتگزاری حرم ابوالفضل العباس در کربلای معلی که به دست رئیس خدام و چند تن دیگر از خدمتگزاران آن حرم شریف، امضا شده است.

چهار. مقام مدرسی آستانه حضرت فاطمه معصومه در قم که به تاریخ چهاردهم آذر ۱۳۴۸، صادر و به وسیله تولیت آستانه، امضا شده است.

پنج. منصب افتخاری نسابه آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه در قم، که به تاریخ سیزدهم تیر ۱۳۱۶، توسط تولیت آستانه امضا و صادر شده است.

شش. منصب پُرافتخار امام جماعت مادام‌العمری آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه که در هفدهم شهریور ۱۳۶۰، توسط تولیت آستانه مقدس، آقای احمد مولایی، امضا و صادر شده است.

هفت. منصب خادم افتخاری آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه.

هشت. منصب افتخاری خدمتگزاری بقعه متبرکه حضرت سلطان سید جلال‌الدین اشرف در آستانه اشرفیه گیلان، که توسط تولیت وقت آن آستان مقدس، در تاریخ اول شوال ۱۳۸۰، مطابق بیست و هشتم اسفند ۱۳۳۹، امضا و صادر شده است.

نه. منصب خدمت افتخاری در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری.

ده. منصب خدمت افتخاری حرم علی بن امام محمد باقر در مشهد اردهال کاشان.

یازده. منصب افتخاری خدمتگزاری در حرم احمد بن امام موسی بن جعفر، معروف به شاهچراغ، در شیراز.

دوازده. منصب خدمت افتخاری در حرم ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا در مشهد مقدس.^۱

احکام صادره این مناصب افتخارآمیز، هم‌اکنون در میان اسناد زندگینامه ایشان موجود است.

۳. نگارش شرح حال حضرت عبدالعظیم

آیت‌الله مرعشی، شوق به زیارت خاندان عترت را نه تنها با زیارت مراقده آنان، بلکه با نگارش آثار متعدد درباره اماکن زیارتی و زیارت آنها و نیز نگارش شرح حال امام‌زادگان نشان داد.

ایشان با بهره‌گیری از تبحری که در علم انساب داشت، به نحوی که او را به حق، سرآمد تبارشناسان معاصر خوانده‌اند، بیش از ده اثر درباره تعیین مراقده امام‌زادگان و شرح حال آنان نگاشت.^۲

۱. ر.ک: شهاب شریعت، ص ۲۸۴ - ۲۸۶؛ گنجینه شهاب، دفتر دوم، ص ۴۶۷ - ۴۶۸.

۲. گنجینه شهاب، دفتر دوم، ص ۴۶۶ - ۴۶۷.

عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي خالد الكابلي، عن السجّاد عليه السلام النصّ الدالّ على إمامة الأئمة عليهم السلام.^٦

و في ذلك الكتاب أيضاً: رواية الصدوق، عن أبي العباس محمّد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني، عن الحسن بن إسماعيل، عن سعيد بن محمّد القطّان، عن عبیدالله بن موسى الروياني، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، عن علي بن الحسن بن زيد بن علي بن الحسين، عن عبدالله بن محمّد بن جعفر الصادق حديث اللوح، فراجع.^٧

و في ذلك الكتاب أيضاً: و ممّا روي عن أبي جعفر الثاني عليه السلام في مثله، ما رواه عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، قال: دخلت على الحديث.^٨

و فيه أيضاً: و ممّا روي عن أبي الحسن علي بن محمّد العسكري عليه السلام في ذلك، ما رواه عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، قال: دخلت على سيدي أبي الحسن علي بن محمّد العسكري.^٩ و في كتاب «التوحيد»، لشيخنا الحافظ الصدوق عليه السلام في باب معنى سبحان الله، ما لفظه: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل، قال: حدّثنا علي بن الحسين السعدآبادي، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، عن علي بن أسباط، عن سليم مولن طربال، عن هشام الجواليقي، قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن قول الله - عزّ و جلّ - «سبحان الله» ما يعني به؟ قال: تنزيهه.^{١٠}

و في ذلك الكتاب أيضاً: في باب معنى التوحيد و العدل، ما لفظه: حدّثنا محمّد بن أحمد بن السناني المكتب، قال: حدّثنا

از جمله آثار ارزنده آیت الله مرعشی علیه السلام در علم انساب، حاشیه مفصل و عالمانه ای است که بر عمده الطالب نگاشتند.^١ در متن این کتاب، ضمن معرفی اعقاب «علی الشدید»، اشاره کوتاهی به شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام شده است. مرحوم آیت الله مرعشی، حاشیه مفصّلی بر این بخش نگاشته و به شرح حال آن حضرت و روایات رسیده از ایشان، با استفاده از منابع گوناگون، پرداخته است.

در اینجا به نقل این بخش از کتاب عمده الطالب و حاشیه ایشان می پردازیم که در واقع، می توان آن را رساله ای مستقل در شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام به قلم آیت الله مرعشی علیه السلام برشمرد:^٢

اعقاب علی الشدید

و أمّا علی الشدید^٣ بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب، و یکنی «أبا الحسن»، و أمّه أمّ ولد، و عقبه من اینه عبدالله بن علی، أمّه أمّ ولد.

قال أبو نصر سهل بن داود البخاري: يقال: إنّ عبدالله بن علی استلحقه الحسن بن زید - و هو جدّه - بعد موت ابنه^٤ علی بالقافة، و ذلك أنّ أباه علیاً هلك في حياة أبيه الحسن بن زید، و أمّ اینه عبدالله جاریه بیعت و لم یعلم أنّها حامل، فلما توفّي علی بن الحسن بن زید ردّها المشتري إلى أبيه الحسن بن زید، فولدت عبدالله، فشكّ فيه، فدعا بالقافة فألحقوه به، و اسم جاریه «هیفاء».^٥

فولّد عبدالله بن علی الشدید: عبدالعظیم السید الزاهد (المدفون في مسجد الشجرة بالري، و قبره یزار و أحمد.

١. قوله: «عبدالعظیم السید الزاهد».

أقول: یروي عن عبدالعظیم الحسني جماعة، منهم: عبیدالله بن موسى.

و في كتاب أعلام الوری، لشيخنا القدوة أبي علی الفضل بن الحسن الطبرسي المتوفّي شهيداً سنة ٥٤٨: رواية شيخنا الصدوق عن علی بن عبدالله الوراق، عن محمّد بن هارون الصوفي، عن عبیدالله بن موسى، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسني، عن صفوان بن يحيى، عن إبراهيم بن أبي زياد،

١. حواشی مرحوم آیت الله مرعشی علیه السلام با عنوان «التعلیق الشریفة علی العمدة» در چند جلد با تحقیق حجت الاسلام سید مهدی رجایی، به اشراف دکتر سید محمود مرعشی، در چند جلد آماده طبع است.

٢. با تشکر از آقای سید مهدی رجایی که ما را از محلّ بحث آگاه ساخت، و قدردانی از آقای دکتر محمود مرعشی که متن برگزیده کتاب را پیش از انتشار در اختیار نگارنده نهاد.

٣. السدید.

٤. في سز السلسلة: أبيه.

٥. سز السلسلة العلوية، ص ٢٤.

٦. أعلام الوری، ص ٣٨٤.

٧. نفس المصدر، ص ٣٧٤.

٨. همان، ص ٤٠٨.

٩. همان، ص ٤٠٩.

١٠. التوحيد، الصدوق، ص ٣١٢، ح ٢ (طبع قم: مؤسسه النشر الاسلامي).

محمد بن أبي عبدالله الكوفي، قال: حدّثنا سهل بن زياد الآدمي، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام علي بن محمد، عن أبيه محمد، عن أبيه علي الرضا عليه السلام الخبر.^١

وفي كتاب شرح مشيخة الفقيه، للعلامة مولانا التقي المجلسي، ما حصله: أنّ عبدالعظيم الحسيني هذا عظيم الشأن، جليل القدر، ويظهر جلالة قدره من رواياته، وفي النجاشي بعد ذكر النسب: أبو القاسم، له كتاب خطب أمير المؤمنين عليه السلام، ثم نقل عن الأمالي لشيخنا الصدوق بسنده إلى عبيدالله بن موسى الروياني، عن عبدالعظيم روايات فراجع.

وكذا روى الصدوق بسنده عن محمد بن يحيى العطار، عمّن دخل على مولانا أبي الحسن الهادي عليه السلام من أهل الري، قال: فقال: أين كنت؟ قلت: زرت الحسين عليه السلام، قال: أما لو أنك زرت قبر عبدالعظيم عندكم لكنت كمن زار الحسين بن علي عليه السلام، وقال الصدوق في حقه: وكان مرضياً.

أقول: وفي فهرست شيخ الطائفة أنّه يروي عنه سهل بن زياد، وأبو تراب الحارثي.^٢

وفي كتاب علل الشرائع، لشيخنا الصدوق: رواية سهل بن زياد الآدمي، عن سيدنا عبدالعظيم، و السند هكذا، قال الصدوق: حدّثنا أحمد بن محمد الشيباني، قال: حدّثنا محمد بن أحمد الأسدي الكوفي، عن سهل بن زياد، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، قال: سمعت علي بن محمد العسكري عليه السلام الحديث.^٣

وفي كتاب الأمالي أيضاً، روايته بهذا السند، قال: حدّثنا محمد بن موسين المتوكل، قال: حدّثنا علي بن الحسين السعدآبادي، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام أبي جعفر محمد الجواد عليه السلام الحديث.^٤

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا علي بن أحمد، قال: حدّثنا محمد بن أبي عبدالله الكوفي، عن سهل بن زياد الآدمي، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام علي الهادي عليه السلام الحديث.^٥

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا علي بن أحمد بن موسى، قال: حدّثنا محمد بن هارون الصوفي، قال: حدّثنا عبيدالله بن

موسى الروياني، قال: حدّثني عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن إبراهيم بن أبي محمود، عن الامام علي الرضا عليه السلام الحديث.^٦ وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا أحمد بن محمد بن أحمد السناني المكتب، قال: حدّثنا محمد بن أبي عبدالله الكوفي، قال: حدّثنا سهل بن زياد الآدمي، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام علي الهادي عليه السلام الحديث.^٧

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا علي بن أحمد بن موسى، قال: حدّثنا محمد بن هارون الصوفي، قال: حدّثنا عبيدالله بن موسى الروياني، قال: حدّثنا عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام علي الهادي عليه السلام الحديث.^٨

وفي ذلك الكتاب بالسند المذكور، وقد أنهاه إلى عبدالعظيم، عن الامام أبي جعفر الجواد عليه السلام الحديث.^٩ وفي ذلك الكتاب أيضاً: عن علي بن أحمد بن موسى، عن محمد بن هارون، عن عبيدالله بن موسى، عن عبدالعظيم الحسيني، عن علي بن محمد الهادي، عن آيائه عليه السلام، قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: من دخله العجب هلك.^{١٠}

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكل، قال: حدّثني علي بن الحسين السعدآبادي، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، قال: حدّثني عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، قال: حدّثني الحسن بن عبدالله بن يونس، عن يونس بن ظبيان، عن الصادق عليه السلام الحديث.^{١١}

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حدّثنا علي بن أحمد بن موسى الدقاق، قال: حدّثنا محمد بن أبي عبدالله الكوفي، قال: حدّثنا أبو سعيد الحسن بن أبي زياد الآدمي الرازي، قال: حدّثنا عبدالعظيم بن عبدالله الحسيني، عن الامام أبي جعفر محمد

١. نفس المصدر، ص ٩٦، ح ٢.

٢. روضة المتقين، ج ١٤، ص ١٦٣ - ١٦٥.

٣. علل الشرائع، ص ٣٤ (طبع نجف اشرف).

٤. الأمالي، الصدوق، ص ٧١ - ٧٢ (ح ٣٩) (قم: مؤسسة البعثة).

٥. نفس المصدر، ص ٢٧٦ (ح ٣٠٧).

٦. همان، ص ٤٩٤ (ح ٦٧٢ و ٣٠٧).

٧. همان، ص ٤٩٥ (ح ٦٧٥).

٨. همان، ص ٤١٩ (ح ٥٥٧).

٩. همان، ص ٥٢٧ (ح ٧١٥).

١٠. همان، ص ٥٣١ (ح ٧١٨).

١١. همان، ص ٦٨٨ (ح ٩٤٥).

الجواد عليه السلام الحديث^١.

وفي كتاب معاني الأخبار، لشيخنا الصدوق أيضاً، ما لفظه: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ الْهَادِي عليه السلام الْحَدِيثِ^٢.

وفيه أيضاً: رواية المؤلف، عن السيد المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي العباسي، عن جعفر بن محمد بن مسعود، عن أبيه، عن إبراهيم بن علي، عن عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني، عن الحسن بن محبوب، عن معاوية بن عمارة، عن الصادق عليه السلام الخبر^٣.

وفي ذلك الكتاب أيضاً: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْآدَمِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ الْهَادِي عليه السلام الْحَدِيثِ^٤.

وفي كتاب كفاية الأثر، للحافظ شيخنا علي بن محمد بن علي الخزاز القمي الرازي، رواية سندها كذا: ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِي، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْآدَمِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنِ أَبِي جَعْفَرِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ الْجَوَادِ عليه السلام الْحَدِيثِ^٥.

وفي ذلك الكتاب هكذا: حَدَّثَنَا هَارُونَ الصُّوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو تَرَابٍ عبيد الله بن موسى الروياني، عن عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني، عن الإمام علي الهادي عليه السلام الحديث^٦.

وفي كتاب ثواب الأعمال، لشيخنا الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن موسى ابن بابويه القمي، ما لفظه: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنِي حَمْزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعُلُوي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَمَّنْ دَخَلَ عَلِيُّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَادِي عليه السلام مِنْ أَهْلِ الرِّيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلِيَّ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام، فَقَالَ: أَيْنَ كُنْتَ؟ قُلْتُ: قَدِ زَرْتُ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَقَالَ: أَمَا أَنْتَ لَوْ زَرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ كُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام^٧.

وقال النعماني في كتاب الغيبة، ما لفظه: عن الكليني، عن بعض رجاله، عن عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني، عن مالك بن عامر، عن المفضل بن عمر، عن الصادق عليه السلام^٨.

وفي كتاب المحاسن للبرقي، ما لفظه: عنه، عن عبد العظيمة بن عبد الله العلوي، عن الحسن بن علي، عن بعض أصحابنا،

عن الصادق عليه السلام الخبر^٩.

وفيه أيضاً، ما لفظه: عنه، عن عبد العظيمة بن عبد الله وكان مرضياً، عن محمد بن عمر، عن حماد بن عثمان، عن عيسى بن السري، قال: قلت لأبي عبد الله الخبر^{١٠}.

وفي كتاب الأمالي للشيخ الطوسي، عن جماعة، عن أبي المفضل، عن عبيد الله ابن الحسين العلوي، عن أبيه، عن عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني، عن أبي جعفر، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث، قال: إِنَّ اللَّهَ بِكْرَمِهِ وَفَضْلِهِ يَدْخُلُ الْعَبْدَ بِصَدَقِ النِّيَّةِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ الْجَنَّةِ^{١١}.

وفيه أيضاً: رواية المؤلف، عن الحسين بن عبيد الله، عن علي بن محمد بن محمد العلوي، عن محمد بن موسى الرقي، عن علي بن محمد بن أبي القاسم، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني، عن أبيه، عن أبان مولى زيد الشهيد، عن عاصم بن بهدلة، عن شريح القاضي، عن علي عليه السلام الخبر^{١٢}.

وقال العلامة المولى محمد بن المولى علي اللاهيجي، تلميذ السيد المحقق الداماد في كتابه خير الرجال المخطوط: إن من تأليف شيخنا الصدوق كتاب جامع أخبار عبد العظيمة بن عبد الله الحسيني.

وأولد عبد العظيمة: محمد بن عبد العظيمة، كان زاهداً كبيراً، وانقرض محمد بن عبد العظيمة ولا عقب له.

وأما أحمد بن عبد الله بن الشهيد، فقال العمري الكبير النسابة: «أعقب»^{١٣} وقال أبو اليقظان: «ما أعقب»^{١٤}.

وقال شيخنا أبو الحسن العمري: والذي عليه العمل أنه أعقب من ولده: السبيعي، وهو أبو محمد القاسم بن الحسين

١. همان، ص ٧٥٢ (ح ١٠١٠).

٢. معاني الأخبار، ص ١٣٩ (طبع تهران).

٣. نفس المصدر، ص ٣٢٢.

٤. همان، ص ٣٨٧.

٥. كفاية الأثر، الخزاز، ص ٢٧٧ (طبع قم).

٦. نفس المصدر، ص ٢٨٢.

٧. ثواب الأعمال، ص ١٢٤ (طبع تهران: مكتبة الصدوق).

٨. الغيبة، ص ١٣٥ (طبع تهران: مكتبة الصدوق).

٩. المحاسن، ج ١، ص ٨٨.

١٠. نفس المصدر، ص ٩٢.

١١. الأمالي، ج ٢، ص ٦٠٢ (ح ١٢٤٥).

١٢. همان، ص ٦٥٢ (ح ١٣٥٣).

١٣. المجدي، ص ٣٥.

١٤. سز السلسلة العلوية، ص ٢٤.

نقیب الکوفة^۱ بن القاسم بن أحمد بن عبدالله بن علی الشدید،^۲ نسب إلى محلة بالكوفة يقال لها: السبيعية، وله عقب بها يقال لهم: السبيعيون.

وكان القاسم السبيعي من أعيان العلويين، و من ولده: يحيى بمصر، ولي قضاء بعض تلك البلاد.

۴. واقف عمده کتاب به کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم رحمته
خدمات آیت‌الله مرعشی رحمته در حوزه کتاب و فرهنگ، بر کسی پوشیده نیست. همت عالی ایشان به حدی بود که حتی با نماز و روزه استیجاری، میراث فرهنگی شیعه را حفظ نمود و امروز، بحمدالله، کتابخانه بزرگ ایشان، همچون خورشیدی در جهان اسلام می‌درخشد و از بزرگ‌ترین گنجینه‌های مخطوطات اسلامی در جهان است. و سرانجام به دلیل عشق به کتاب و کتابخانه و دانش‌پژوهان، سفارش نمود که در کتابخانه، زیرپای پژوهندگان علوم آل‌محمد صلی الله علیه و آله دفن شود.

ایشان از سالهای آغازین سکونت در قم، به فکر تشکیل کتابخانه‌های مختلف و کمک به کتابخانه‌های موجود و مراکز علمی و دانشگاهی افتادند. از این‌رو، از مجموعه کتابهایی که با رنج فراوان فراهم کرده بود، تعداد ۲۷۸ نسخه خطی نفیس را به کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران اهدا کرد، که تفصیل آن در مقدمه جلد اول فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه آمده است. همچنین شمار زیادی از نسخه‌های خطی و کتب چاپی را به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، آستانه حضرت معصومه علیها السلام، آستان احمد بن موسی (شاهچراغ)، مدرسه فیضیه و ... اهدا کرد.^۳

نسخه‌های خطی وقفی آیت‌الله مرعشی، به کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم رحمته نیز رونق بخشید. نگارنده فهرست تفصیلی نسخه‌های خطی آستان حضرت عبدالعظیم رحمته را در دو جلد تنظیم نموده که به‌زودی در ضمن منشورات کنگره حضرت عبدالعظیم رحمته به چاپ می‌رسد که در آن فهرست، کتابهای وقفی آیت‌الله مرعشی مشخص شده‌اند و جا دارد فهرستی از کتابهای وقفی ایشان به کتابخانه‌های مختلف تهیه شود.

ایشان در دومرحله در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ ش، چهارصد نسخه خطی به کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم رحمته اهدا نمودند که از جمله آنها، نسخه‌ای نفیس از تحریر الأحكام علامة حلی است که به خط احمد بن حسن بن یحیی فراهانی در روز جمعه بیست و سوم ربیع‌الثانی ۷۲۱، کتابت آن به پایان رسیده و در چند جای نسخه «بلاغ» فخرالمحققین مشاهده می‌شود. همچنین دوره جواهر العقول فی شرح فرائد الأصول سید ابوالقاسم اشکوری، به خط مؤلف، در بین کتابهای وقفی مذکور است.

نسخه‌ای از شرح ابن‌ناظم بر الفیه ابن‌مالک به خط ابراهیم بن یونس جوازی با تاریخ کتابت دوم ربیع‌الثانی ۱۰۸۴ نیز در میان این موقوفات است. صفحه آخر این نسخه افتاده بوده و مرحوم آیت‌الله مرعشی به خط مبارک خود، آن را تکمیل نموده است.

نیز مجموعه‌ای شامل دو رساله از میرمحمد بن ابی‌طالب استرآبادی به نامهای ترجمه دعای صنی قریش و ترجمه نفاتح اللاهوت، در بین موقوفات پیش‌گفته به چشم می‌خورد. این نسخه در ۱۰۳۶ ق کتابت شده و ظاهراً رساله اول آن، منحصر به فرد است.

به‌طور خلاصه باید گفت نسخه‌های متعدّد و ارزنده‌ای از کتب اربعه حدیثی شیعه و کتابهای تاریخی و فقهی و اصولی و کلامی در بین نسخه‌های وقفی آیت‌الله مرعشی به کتابخانه مذکور، مشاهده می‌شود.

۱. قوله: «الحسين نقيب الكوفة». أقول: ذكره الحافظ الخطيب في تاريخ بغداد، وأنه ولد بأبامحمد القاسم الشهير بالسبيعي، و سردالنسب هكذا: «السبيعي» وهو أبو محمد القاسم بن الحسين نقيب الكوفة بن القاسم بن أحمد بن عبدالله بن علي بن الحسن بن زيد بن الحسن، و قال: إن الحسين النقيب المذكور، حدث عن أبي الوليد محمد بن أحمد بن برد الأنطاكي، روى عنه محمد بن إسماعيل الوراق. تاريخ بغداد، ج ۸، ص ۸۷

۲. المجدي، ص ۳۵.

۳. گنجینه شهاب، دفتر دوم، ص ۲۲۷.